

عاشق در ۱۳۴۵ هجری قمری در افغانستان در ۱۳۴۵ هجری قمری در ۱۳۴۵ هجری قمری

در دوران شیخ بهار آریانا باستان یاد کرده اند هر آن جوان خوش نام دار است که در

عصر امپراطوری بزرگترین سلاله که شامل افغانان یعنی کنشک

از جمله آبادترین نقاط آسیا بود. هر آن جوان زمین با شور و حرارتیست که

حکوه اول

فرخنده کی و آبادی در افغانستان - از صدر اسلام تا مغول

سفریان شاداب دوره مغول - دوره تیموریان - نقاشان ۱۷۷ هجری قمری

و صورتگران هر آن

<p>کر چه موضوع کتاب ترجمه حال شورت گران و نقاشان و خوشنویسان است مگر برای اینکه زمینه قدری به نزد خوانندگان محترم روشن باشد به مختصری از تاریخ نقاشی و صورتگری در افغانستان پرداخته سپس به اصل موضوع می رویم.</p>	<p>نقاشی در دوره های قدیم : جواب این سوال که نقاشی در افغانستان عصر اسلامی چه وقت رواج یافت و چه کسی پیشقدم بود و فن نقاشی کتب خطی در چه دوری متداول شد خیلی مشکل است و تا هنوز کسی نمیتواند جواب مثبتی بدان بدهد زیرا که کثرت مطالعات و تتبعات عمیقی که در این زمینه لازم است بعمل نیامده است .</p>
---	--

نقاشی در دوره های قدیم : جواب این سوال که نقاشی در افغانستان عصر اسلامی چه وقت رواج یافت و چه کسی پیشقدم بود و فن نقاشی کتب خطی در چه دوری متداول شد خیلی مشکل است و تا هنوز کسی نمیتواند جواب مثبتی بدان بدهد زیرا که کثرت مطالعات و تتبعات عمیقی که در این زمینه لازم است بعمل نیامده است . آنچه محقق است اینست که نقاشی های دیواری در افغانستان از زمانه های خیلی دور یعنی در اعصار قبل از اسلام رواج داشته و نمونه های آن در آثار بیکه از آن دوره ها باقی مانده مشهود است . و این هم محقق است که این نقاشی های دیواری در افغانستان بیشتر در عصر بودائی رواج یافته است .

اما نقاشی های دیواری که در اعصار پیش از اسلام مرسوم بود در دوره اسلامی مخصوصاً در اواخر قرن ۴ و اوایل قرن ۵ هجری استعمال آنها منحصر در دیوارهای تالارها و صالن های خصوصی شاهان و امراء و رجال متمول بوده است . چنانچه نقاشی های کاخ فیروزه سلطان محمود که فرخی سیستانی ذریسکی از قصاید خود از آن مفصلاً تذکار کرده است شاهد این مدعا می باشد .

پس به این ترتیب می توان ایجاد فن نقاشی کتب را در افغانستان بهمان عوامل فوق الذکر که عبارت از نقاشی های دیواری باشد نسبت داد. و در و شها و سبک هائی را که افغانستان از چین و غیره ممالک همجوار بدست آورد اضافه نمود. بهر حال جای انکار نیست که فن نقاشی در افغانستان رواج و رونق کاملی داشت و در اول انکار آنرا برای توضیح مطالب کتب تاریخی و دوا دین شعر ا و قصص و حکایات بسیار می بردند.

کتابها را با صور کوچک و ظریف و رنگهای زیبا و رخشنده زینت میدادند باینکه این صور آنها چندین اختلاف و تفاوت محسوسی باهم ندارند باز هم اشخاص من سلاجیت دار و اهل فن و کسانی که در شناختن صنایع شرق استادانند می توانستند تا جدیدی آنها را من حیث ادوار تاریخی تمیز دهند و بهمین جهت است که می توان آثار ا به سبکها و مکاتب های مختلف که هر کدام از خود امتیازات علیحده دارند تقسیم نمود.

از روی مآخذ و ادوار تاریخی می توان فن نقاشی افغانستان را در دوره اسلامی به سه دوره ذیل تقسیم نمود:

- ۱- از صدر اسلام تا مغول - ۲- از مغول تا تیمور - ۳- دوره تیمور و ریان که درخشان ترین دوره های صنعت نقاشی و صنایع ظریفه افغانستان است.
- الف: از صدر اسلام تا مغول: این دوره در تاریخ از نقطه نظر صنایع خیلی تاریک است

و نمی توان از روی مآخذ و مدار کسیکه در دست است راجع به تاریخ صنایع درین دوره چیزی نوشت. تنها اینقدر معلوم است که در زمان سامانیان نقاشی کتب خطی رواج داشت چنانچه زکی محمد حسن مورخ معاصر مصری میگوید (۱) قدیم ترین نسخه خطی که مطالب آن با نقاشی روشن شده کتاب کلیده و دمنه است. این کتاب را امیر نصر بن احمد سامانی (۳۰۱-۳۱۳ هجری) برودگی شاعر داد تا از عربی بفارسی در آورد پس از آن کتاب را به هنر مندان

(۱) صفحه ۸۴ ترجمه تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام مولفه دوکتور زکی محمد حسن

ترجمه محمد علی خلیلی طبع طهران ۱۳۲۸ هـ ق

و نقاشان چین داد نقاشی کنند و حکایات را با اشکال و صور توضیح دهند. و هم معلوم است که ترجمه عربی این مقفع نیز دارای تصاویر بود زیرا او در اول کتاب میگوید: «آنگاه ایچمه شالامه و بیخه نیچان نلسالفا هلا ای و اله شلسه و بر اگسی که این کتاب را دادند و با میخورند لازم است که بدانند به چهار قسم یا غرض و مقصود تقسیم می شود اول... و دوم ظاهر، کردن اشکال حیوانات است بر رنگ آمیزی های مختلف و باز می نویسد: «و این خواننده این کتاب لازم است که تنها متوجه آرایش کتاب و تصاویر آن نشده بلیکه با مثال و پندهای آن بیشتر توجه کند» از این قرار معلوم می شود که کتاب کلیله و دمنه را از قرن دوم هجری با اشکال و رسوم و صور تزئین می کردند و چون فردوسی در سال ۱۰۱۰ هجری نظم شاهنامه را بیلان رسانید نقاشان و هنرمندان بنقاشی و مصور ساختن آن روی آوردند و همین کار را بعد از دو اوین شعر اخصو سیانظامی و سعیدی و حافظ سوزی کرده اند. نقاشی مغولی: نقاشی مغولی در افغانستان در قرن هفتم و هشتم هجری وجود آمد. تاریخ نقاشی افغانستان درین دوره نسبت به دوره صدر اسلام قرار میگیرد است تنها چیزی که راجع به این دوره می توان گفت که اینست که باید در دوران مغول نقاشی افغانستان بیشتر تحت تاثیر نقاشی سبک چین رفته باشد زیرا در سلسله شاهان نیکه در قرن هفتم و هشت هجری در چین و افغانستان (خراسان آنوقت) و فارس حکومت داشتند هر دو از نژاد مغول بودند و رابطه نژادی و خویشی آنها را بهم نزدیک کرده بود علاوه بر آن در آنوقت که مغول ها متوجه خراسان (افغانستان) و فارس شدند عده از هنرمندان و صنعتگران و مترجمین چین را با خود همراه آوردند و بهمین جهت است که بیشتر قین آثار فنی و سبکهای شرقی اقصی را از ابتدای دوره مغولی در فنون خراسانی و فارسی مشاهده میکنند چیزیکه بیشتر تاثیر اسلوب نقاشی چین را در افغانستان به دوره مغولی تأیید میکند همانا قسمتی از تاثیرات آن اسلوب در اوایل دوره تیمور است که بعد از جای خودش آنرا مطالعه خواهیم کرد.



(نمونہ خط نستعلیق محمد ابراہیم خلیل شاعر معاصر)



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی